

ژنرال ارنست آیسکو فلویر  
ترجمه سپهر صدیقی نژاد



# بلوچستان ناکاویده

شرح سفری اکتشافی به مَکْران، بشاگرد  
مرکز ایران، کردستان و عثمانی



بلوچستان ناکاویده





## بلوچستان ناکاویده

شرح سفری اکتشافی به مَگْران، بشاغرِد،  
مرکز ایران، کردستان و عثمانی به  
همراه پیوست‌هایی از مشاهدات نجومی،  
جغرافیایی، گیاه‌شناسنخانی و ...

ژنرال ارنست آیسکو فلوریر

مترجم:  
سپهر صدیقی نژاد



آبی پارسی  
پد نیروزه

این کتاب با حمایت  
سازمان منطقه آزاد چابهار  
 منتشر شده است.



شرح سفری اکتشافی به مکران، بشاگرد، مرکز ایران، کرمان و عثمانی	عنوان دیگر:
بهمراه پیوست‌هایی از مشاهدات	موضوع:
نحوی، جغرافیایی، گیاه‌شناسی و ...	موضوع:
بلوچستان -- سیر و ساخت	موضوع:
Baluchisthan -- Description and travel	موضوع:
ایران -- سیر و ساخت	موضوع:
Iran -- Description and travel	موضوع:
صفیقی زاده، سپهر، ۱۳۰۸	شناخته از ووده:
شهرنمازدار، محسن، ۱۳۵۶	شناخته از ووده:
DSR ۲۰۷۹	رده بندی کنگره:
۹۰۰/۷۴	رده بندی دیوبیس:
۷۳۷۰-۹۱۲	شماره کتابشناسی ملی
نیا	وضیعت رکوردهای

فلویر، ارنست آیسکو، ۱۸۵۲ - ۱۹۰۳ م.  
Floyer, Ernest Ayscoghe

منوان و نام پدیدآور:  
بلوچستان ناکاویده: شرح سفری اکتشافی به مکران، بشاگرد، مرکز ایران، کرمان و عثمانی بهمراه پیوست‌هایی از مشاهدات نحوی، جغرافیایی، گیاه‌شناسی و ... /نوشه: زفال اریست آیسکو فلویر؛ ترجمه سهیر صدیقی زاده؛ نویسنده مقدمه محسن شهرنمازدار؛ میر مجتمعه پژوهش‌های ایران فرهنگی محسن شهرنمازدار.

مشخصات نشر:  
تهران: انتشارات بعل فیروزه موسسه آئی پارسی، ۹.۱۳۹۹ ص. ۰۵۹

مشخصات ظاهری:  
۹۰۰/۷۴ ص. ۲۱۰۱۲ س.م.

پژوهش‌های ایران فرهنگی:  
۹۷۸-۴۲۲-۷۶۴۰-۰۲۳

فرستاد:  
شایخ:

وصفت فهرستخویی: فیا

باحداشت:  
عنوان اصلی: Unexplored Baluchistan. A survey, with, astronomical, geographical, botanical, etc., of a route through Mekran, Baskurd, Persia, Kurdistan, and Turkey

۱۳۹۹	چاپ یکم:
۷۰۰	شماره کان:
۷۰۰	شایعه:
۹۷۸-۶۲۲-۷۴۶۴-۰۲۳	فائزه حجاری‌زاده:
۹۷۸-۶۲۲-۷۴۶۴-۰۲۳	سازه امینی:
۹۷۸-۶۲۲-۷۴۶۴-۰۲۳	چاپ نازو و صحافی:
۹۷۸-۶۲۲-۷۴۶۴-۰۲۳	طرح جلد:
۹۷۸-۶۲۲-۷۴۶۴-۰۲۳	تأثیه آئی پارسی
۹۷۸-۶۲۲-۷۴۶۴-۰۲۳	کاظم طالبی نسب

### بلوچستان ناکاویده؟

شرح سفری اکتشافی به مکران، بشاگرد، مرکز ایران، کرمان و عثمانی بهمراه پیوست‌هایی از مشاهدات نحوی، جغرافیایی، گیاه‌شناسی و ...

ارنست آیسکو فلویر

متترجم: سهیر صدیقی زاده

موسسه آئی پارسی: انتشارات بعل فیروزه

نشانی: تهران- خیابان پاسداران- بومستان دوم- پلاک ۲۷- طبقه اول/کدبست: ۱۱۶۴۴۶۶۵۱۱۱- تلفن: ۰۲۱-۲۲۲۷۹۶۱۴۸- وبسایت: pbinstiute.ir

با ازنشر این اثر یا قسمتی از آن به هر شیوه، نیاز به دریافت اجازه رسمی و مکتوب از ناشر دارد.

## فهرست

- ۷ سخن ناشر  
۱۳ یادداشت دیر مجموعه  
۱۹ سنجه‌های اندازه‌گیری و برابرهای فارسی آن‌ها  
۲۱ یادداشت مترجم  
۲۷ مقدمه  
۳۳ فصل اول: [آغاز سفر]  
۶۱ فصل دوم: در مسیر بنت  
۹۱ فصل سوم: [سفر به بمپور]  
۱۳۵ فصل چهارم: [بازگشت به جاسک]  
۱۰۹ فصل پنجم: سفر در دریا و خشکی  
۱۹۱ فصل ششم: بلوچستان غربی  
۲۱۹ فصل هفتم: پیاده تا آنکه‌ران  
۲۴۷ فصل هشتم: [به سوی سرچشمه نفت]  
۲۷۳ فصل نهم: ورود به محدوده فارس‌ها  
۲۹۹ فصل دهم: [کهنوج]  
۳۲۵ فصل یازدهم: گذر از کوهستان  
۳۵۳ فصل دوازدهم: ورود به کرمان  
۳۶۵ فصل سیزدهم: اقامت در کرمان  
۳۸۷ فصل چهاردهم: در راه بزد  
۴۰۷ فصل پانزدهم: از بزد تا اصفهان  
۴۲۳ فصل شانزدهم: اصفهان  
۴۴۹ فصل هفدهم: [در میان عشاير]  
۴۶۷ فصل هجدهم: دولت آباد  
۴۹۳ فصل نوزدهم: کرمانشاهان  
۵۲۷ پیوست الف: مشاهدات گویش‌شناختی  
۵۴۵ پیوست ب: مشاهدات گیاه‌شناختی  
۵۴۹ پیوست ج: مشاهدات گام‌شناختی و جغرافیائی  
۵۵۹ پیوست د: مشاهدات هواشناختی  
۵۷۷ پیوست ه: فرمان حسام‌السلطنه، ...

پیوست و: ترجمه یک قرارداد

پیوست ز: نُت های موسیقی

پیوست ح: نقشه مسیر حرکت نویسنده

نمایه

۵۷۹

۵۸۱

۵۸۳

۵۸۵

## سخن ناشر

مؤسسه آبی پارسی برای جبران کمبود منابع پژوهشی در خصوص معرفی و شناساندن تاریخ و فرهنگ غنی بلوچستان، بخش نخست مجموعه کتب «پژوهش‌های ایران فرهنگی» را به انتشار بیست و دو عنوان کتاب شامل تألیف، ترجمه، استنساخ و گردآوری منابع مهم و بنیادین درباره این منطقه از ایران اختصاص داده است. دبیر این مجموعه سترگ آقای محسن شهرنازد از پژوهشگر حوزه انسان‌شناسی و مطالعات قومی هستند که در طی دو دهه گذشته موضوع بلوچستان را از خلال پژوهش‌های میدانی و نیز مطالعات کتابخانه‌ای دنبال کرده‌اند و عهده‌دار این مسئولیت مهم شده‌اند. ایشان از اواسط دهه هشتاد، در صدد انجام این پژوهه و نیز تدوین دانشنامه فرهنگ و جغرافیای بلوچستان بوده‌اند.

عنوانیں و شرح مجلدات این مجموعه در بخش‌های مختلف عبارت اند از:

### مطالعات تاریخی و فرهنگ‌شناسی:

بلوچستان در دانشنامه ایرانیکا: زیر نظر دبیر مجموعه، علاوه بر ترجمه‌های مدخل مرتبط به تاریخ و فرهنگ بلوچستان از دانشنامه ایرانیکا، شامل تکمله‌هایی تألیفی بر هر مدخل است که توسط افراد متخصص در موضوع همان مدخل نوشته شده

و کاستی‌های اطلاعات مداخل ایرانیکا را کامل می‌کند و یا اطلاعات تازه‌ای به آن می‌افزاید. این کتاب برای پژوهشگران مسائل تاریخ و فرهنگ بلوچستان، منبعی مهم و حائز اهمیت به شمار می‌رود.

**بلوچستان و تاریخ مکران ایران ۱۹۰۶-۱۶۰۰** در کتاب جان گوردون لوریمر: شامل بخش‌های مربوط به بلوچستان در کتاب یادمانی و ارزشمند راهنمای خلیج‌فارس جان گوردون لوریمر دیپلمات و تاریخ‌نگار بریتانیایی است که علاوه بر تاریخ تحولات سیاسی منطقه از ابتدای قرن هفدهم میلادی تا سال‌های نخستین سده بیستم (همزمان با انقلاب مشروطه) به جغرافیای روستایی منطقه بلوچستان می‌پردازد و به خواننده اطلاعات ارزشمندی از وضعیت منطقه در ابتدای سده بیستم ارائه می‌دهد.

**مقالات تاریخی و انسان‌شناسی بلوچستان:** در دو مجلد زیر نظر دیر مجموعه گردآوری شده و دربرگیرنده مهم‌ترین مقالات پژوهشی تاریخی و انسان‌شناسی طی دهه‌های گوناگون سده بیستم است که به شناخت بیشتر ما از ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی بلوچستان از نگاه محققان غیر ایرانی می‌انجامد.

**بلوچ و دیگران و بلوچ و همسایگان:** عنوان ترجمه دو کتاب در حوزه مباحث گوناگون زبان‌شناسی و پژوهش‌های بین‌رشته‌ای و چندرشته‌ای این حوزه است که در سمپوزیوم‌های زبان‌شناسی بلوچ در دانشگاه اوپسالا ارائه شده و زیر نظر خانم کارینا جهانی، اگنس کورن و پل تیتوس در دو مجلد مدون شده است.

**اشعار مردمی بلوچ نوشته لانگورث دیمز:** کتاب مهمی که دیمز در نیمه دوم قرن نوزدهم آن را در بریتانیا منتشر کرده و حاوی منظومه‌ها و اشعار بلوچی، با توصیفی از ادبیات بلوچستان است.

**کاوش در تپه بمپور:** گزارش مفصلی از کاوش‌های باستان‌شناسی بناتریس دکاری باستان‌شناس شهری بریتانیایی در یکی از مهم‌ترین محوطه‌های پیش از تاریخ بلوچستان است که پس از نیم قرن ترجمه شده و در اختیار مخاطب فارسی‌زبان قرار گرفته است.

هشت گفتار در باستان‌شناسی و تاریخ سیستان و بلوچستان: اثر دکتر سید منصور سید سجادی از باستان‌شناسان فاضل و سرپرست هیئت کاوش شهر سوخته است. این کتاب در هشت فصل علاوه بر دو متن تاریخی درباره بلوچستان، به معرفی جغرافیای تاریخی منطقه از عصر باستان تا دوران اسلامی می‌پردازد و هر چند پیش‌تر منتشر شده، اما در این چاپ آخرین دستاوردها و یافته‌های کاوش‌های باستان‌شناسی ساختی سالیان اخیر شهر سوخته در دو فصل تازه تشریح شده است.

### سفرنامه‌های ایرانی:

بلوچستان در سیاحت‌نامه‌های عصر قاجار: در دو مجلد شامل سفرنامه‌های حکام و سیاستمداران ایرانی به منطقه بلوچستان است که نگاه رجال سیاسی به منطقه و سیاست‌های حکومت قاجار در قبال بلوچستان را برای خواننده ترسیم می‌کند و همزمان چشم‌اندازی از وضعیت معیشتی مردم و آبادی‌های بلوچستان را ارائه می‌دهد.

سفرنامه‌های معاصر بلوچستان: در سه مجلد در برگیرنده نگاه نویسنده‌گان و پژوهندگان، رجال فرهنگی، سیاسی و نظامی به این منطقه طی یک قرن است که از سال‌های پایانی حکومت قاجار و انقلاب مشروطه ایران آغاز می‌شود و تا دهه هشتاد خورشیدی ادامه می‌یابد.

### سفرنامه‌های غیر ایرانی:

بلوچستان ناکاویده: عنوان کتابی از ارنست فلوریر افسر بریتانیایی مسنول ایستگاه تلگراف جاسک است که شرح سفر او از ژانویه ۱۸۷۶ تا می ۱۸۷۷ میلادی را در بر دارد و حاوی اطلاعات ذی قیمتی از اوضاع اقلیمی و جغرافیایی و اقتصادی بلوچستان در سده نوزدهم است. متن اصلی نخستین بار در سال ۱۸۸۲ در لندن منتشر شده است.

سرگشته در بلوچستان: این کتاب مشاهدات ژنرال مک‌گرگور، افسر عالی رتبه ارتش بریتانیا در هند، در دهه‌های پایانی سده نوزدهم در بلوچستان و تشریح

سیاست‌های حکومت استعماری بریتانیا در منطقه است. سرگشته در بلوچستان نیز نخستین بار در ۱۸۸۲ انتشار یافته شده و پس از قریب به صد و چهل سال به فارسی برگداشته شده است.

**سه سفرنامه بلوچستان:** شامل شرح سه سفر از سرپرسی سایکس در حدفاصل سال‌های ۱۸۹۳ تا ۱۹۰۱ به بلوچستان است. سایکس یکی از مؤثرترین کارگزاران سیاسی بریتانیا در ایران آن دوران بوده است.

**بلوچستان در سفرنامه‌های اروپاییان:** شامل شش سفرنامه از کارگزاران، سیاحان و پژوهشگران خارجی است که حدفاصل نیمه قرن نوزدهم تا دهه‌های میانی سده بیستم به بلوچستان سفر کرده‌اند و شرح سفر خود را نوشته‌اند. این مجلد شامل سفرنامه‌های کاپیتان گرانت، گاستیگر، الا سایکس، اسکراین، گابریل و بالسان است.

#### اسناد:

**بلوچستان در اسناد بریتانیا:** گزیده اسناد آرشیو وزارت خارجه بریتانیا در دو مجلد که شامل گزارش‌های نظامی-امنیتی و سیاسی محرومانه بریتانیا در خصوص منطقه بلوچستان در سه دهه پایانی سده نوزدهم و سال‌های نخست سده بیستم است. این مجموعه علاوه بر اطلاعاتی که در خصوص مباحث سیاسی، نظامی و امنیتی منطقه دارد، شامل اطلاعات ارزشمندی در حوزه اقتصاد، کشاورزی، زندگی روستایی و وضعیت قبایل در بلوچستان است.

**بلوچستان در عصر قاجار؛ گزیده جراید و مطبوعات:** عنوان کتابی است شامل مدارک و اسناد و گزارش‌های برگزیده از خلال اهم اخبار، مقالات و یادداشت‌های مربوط به بلوچستان در مطبوعات عصر قاجار.

**بلوچستان در عصر پهلوی اول؛ گزیده جراید و مطبوعات:** شامل مدارک و اسناد و گزارش‌های برگزیده این دوران از مطبوعات عصر پهلوی اول است که به همت پژوهشگر این عرصه، آقای مسعود کوهستانی نژاد، گردآوری شده است.

بلوچستان در اسناد آرشیو ملی: گزیده‌ای از اسناد دوره قاجار و پهلوی درباره بلوچستان در آرشیو پهلوی است که دربردارنده اسناد مرتبط با مباحث و موضوعات مندرج در همه مجلدات این مجموعه است و به عنوان منبعی دست اول برای پژوهشگران مطالعات تاریخ معاصر در حوزه بلوچستان کارکردی مهم دارد.

هدف از طراحی این مجموعه و انتخاب عناوین مذکور، مرتفع ساختن فقر و خلاً منابع موثق و قابل اتکا در حوزه مطالعات بلوچستان بود؛ کاری که از عهده و توان یک مؤسسه خصوصی خارج است و انجام آن بسیار زمان بر. اما با این وصف به همت و مساعدت سازمان منطقه آزاد چابهار و به خصوص دکتر عبدالرحیم کردی مدیر عامل منطقه آزاد که در قالب مسئولیت اجتماعی از این طرح حمایت کرد و همچنین اهتمام و جدیت شبانه روزی و بی وقفه دبیر مجموعه و نیز تلاش پیوسته همکاران ما در مؤسسه آبی پارسی، تولید محتوا و آماده سازی نهایی بیست و دو عنوان کتاب مذکور در کمتر از دو سال صورت گرفته است.

همچنان که صائب فرمود:

می توان رفت به یک چشم پریدن تا مصر  
بوی پراهن اگر قافله سالار شود

عشق به میهن، دفاع از استقلال ملی و تمامیت ارضی کشور و تلاش برای حفظ و پاسداشت و معرفی تاریخ و موارث فرهنگی ایران زمین موجب شد تا همه سختی‌ها و مصائب، از گرانی مواد اولیه و هزینه‌های چاپ و کسادی بازار کتاب به خاطر فراغیری بیماری کرونا و سایر موانع.. را پشت سر بگذاریم. سرانجام به مصدق «زهر باید خورد و انگارید قند» کام مان به خاطر به انجام رسانیدن یک «پروژه ملی» شیرین است.



## یادداشت دبیر مجموعه

شورش بزرگ هند در سال ۱۸۵۷ پایانی بر اقتدار کمپانی هند شرقی و آغازی بر سلطه مستقیم بریتانیا بر هند بود. این شورش همزمان که ضرورت ارتباط مستقیم بریتانیا با هندوستان از طریق خطوط تلگراف را نشان داده بود، زمینه تشکیل راج بریتانیا را نیز فراهم کرد. خط تلگراف هندواروپایی یکی از مهم‌ترین نشانه‌های تلفیق میان صنایع مدرن و سیاست در عرصه بین‌المللی قرن نوزدهم بوده است. ایران که در مسیر این ارتباط قرار داشت، برای اهداف بریتانیا در منطقه و نیز جدال سیاسی میان بریتانیا و روسیه در بازی بزرگ، اهمیت استراتژیک تازه‌ای یافته بود.

سرانجام اداره تازه تأسیس تلگراف هند و اروپا، اجازه بهره‌برداری از این مسیر ارتباطی را در تاریخ ۶ فوریه ۱۸۶۳ از ناصرالدین‌شاه قاجار دریافت کرد و نخستین ارتباط در تاریخ ۱ مارس ۱۸۶۵ برای ارتباطات تجاری برقرار شد. اما روند آن بسیار کند بود به طوری که بیش از شش روز به طول می‌انجامید؛ تا آنکه شرکت برادران زیمنس ارتباط دومی را از راه لندن و از طریق برلین، ورشو، اودسا و تفلیس به تهران ایجاد کرد. این خط سپس به بوشهر منتقل می‌شد و با کابل زیردریابی به کراچی می‌رفت. اتصال تازه تلگراف در تاریخ ۱۲ آوریل ۱۸۷۰ به بهره‌برداری رسید

و نخستین پیام از لندن به کلکته ارسال شد و پاسخ آن نیز در کمتر از یک ساعت به لندن رسید. ارتباطی که تا آغاز جنگ جهانی اول در ۱۹۱۴ بی‌وقفه ادامه یافت و دو سوی کره خاکی را به هم متصل کرده بود. این ارتباط نوین میان شرق و غرب همزمان که نقشی چشمگیر در تحولات دههای پایانی قرن نوزدهم تا شروع جنگ جهانی اول ایفا کرد، در مسیر خود موجب تحولات سیاسی مهمی نیز شد. مسیری که در ایران از اروندرود و پس از آن از بوشهر عبور می‌کرد و تا کراچی علاوه بر بوشهر ایستگاه‌هایی در جاسک، چابهار، گوادر و پسندی داشت: با ساختمان‌های زیبا و هم‌شکل که هنوز بقایایی از آن‌ها باقی مانده است.

ریاست ایستگاه جاسک از ۱۸۷۰ تا ۱۸۷۷ بر عهده ارنست فلور نویسنده کتاب حاضر بوده است. کتاب او با عنوان بلوچستان ناکاویده یکی از سفرنامه‌های بالارزش اروپایان در قرن نوزدهم درباره ایران و به خصوص جنوب شرقی این سرزمین است. در اهمیت این سفرنامه همین بس که مقدمه آن را فردریک جان گلدسمید افسر عالی‌رتبه ارتش بریتانیا و کمپانی هند شرقی و مسبب تجزیه بلوچستان نوشته است.

گلدسمید از ۱۸۶۴ مسئولیت انتقال خطوط تلگراف هندواروپایی را عهده‌دار بود. اما مأموریت اصلی او تعیین مرزهای سیاسی جدید در مناطق شرقی ایران بوده، تا آنجا که نام او با یکی از معاهده‌های یک‌جانبه دوره قاجار پیوند خورده و تجزیه بلوچستان در ۱۸۷۱ به نام او و با نام قرارداد گلدسمید یا حکمیت گلدسمید در تاریخ ماندگار شده است. به موجب این معاهده مرزهای ایران و هند از خلیج گواتر تا کوهک ترسیم شد و بخش‌های شرقی بلوچستان به کنترل انگلستان درآمد. یک سال پس از آن، گلدسمید بار دیگر در مناسبات مهم مرزی نقشی کلیدی ایفا کرد و مسئول تعیین مرزهای ایران و افغانستان شد. در نتیجه این مداخله، منطقه سیستان به دو قسمت اصلی و خارجی تقسیم شد و آنسوی نیزار تا ملک‌سیاه‌کوه و مناطق شرقی هیرمند به افغانستان رسید.

مأموریت نظامی و امنیتی گلدن‌سیمید در منطقه که در ظاهر مستولیت خطوط تلگراف به نمایش گذاشته شده بود، در محتوای پنهان مقدمه کتاب فلور منعکس شده است؛ به خصوص آنچاکه مضمون مستتر در نام کتاب یعنی بلوجستان ناکاویده را نشانه نوعی سهل‌انگاری قابل سرزنش و یا مصلحت‌اندیشی سؤال‌برانگیزی می‌داند که به موجب آن دولت هند بریتانیا از نزدیک‌ترین همسایگان و هم‌پیمانانش بی‌خبر مانده است. راج بریتانیا بر اساس چنین بیانش و روشه که در نگاه گلدن‌سیمید قابل ردیابی است، بنا شده بود. حکومت بریتانیا بر شبهقاره هند که راج بریتانیا<sup>۱</sup> نامیده می‌شود، نزدیک به یک قرن و در طول سال‌های ۱۸۵۸ تا ۱۹۴۷ تداوم داشت. انتقال قدرت از کمپانی هند شرقی به ملکه ویکتوریا، مداخلات وسیع و حضور پرنس بریتانیا در تمامی مناطق سرحدی منتهی به قلمروی تازه خود در شبهقاره هند را تشدید کرد و موجب تغییرات جدی در مرزها و سرزمین‌های پیرامون شد. در مناطق شمال غربی شبهقاره و در مرزهای مجاور با ایران که پیش از این تاریخ هم با معاهده تحمیلی پاریس به جدا شدن هرات از ایران منجر شده بود، با تجزیه بلوجستان و جدایی بخش‌های مهمی از خاک ایران تداوم یافت و تا پایان جنگ جهانی دوم و چندپاره شدن هندوستان و تولد کشورهای تازه تأسیس پاکستان شرقی و غربی به طول انجامید. نباید فراموش کرد و نمی‌توان نادیده گرفت که کلونیالیسم بریتانیایی میسر نمی‌شد مگر با اراده و اعتقاد راسخ مستشاران بلندپایه تا پایین‌ترین رده‌های نیروهای نظامی و اداری بریتانیا که جملگی افرادی متخصص و آگاه نسبت به زمانه خویش بودند و در بالاترین درجات اعتمادبهنفس ناشی از اتوسترنیسم اروپایی به سر می‌بردند. سلطه کمپانی هند شرقی بر شبهقاره هند و پس از آن تشکیل راج بریتانیا که منافع سرشاری را نصیب پادشاهی بریتانیا کرد، تنها با وجود چنین افرادی و با چنین انگیزه‌ها و باورهای درونی میسر شده بود. ارنست فلور مستول ایستگاه جاسک تلگراف هند و اروپایی در نیمة دوم قرن نوزدهم یک نمونه قابل توجه از چنین نیروهای وفادار و قابل پادشاهی بریتانیا است؛ مأموری که گلدن‌سیمید او

را مستعد، توانمند و با روحیه بالای ماجراجویی و کاوشگری معرفی می‌کند و می‌نویسد اگر دولت بریتانیا پیشنهاد او مبنی بر به کار گرفتن کارکنان انگلیسی خط تلگراف نوار ساحلی ایران از اروندرود تا کراچی را برای اهداف اکتشافی و به عبارت دقیق‌تر جاسوسی می‌پذیرفت، فلویر جزو اولین انتخاب‌های او بوده است.

کتاب فلویر سرشار از داده‌های مردم‌شناسی از جنوب شرقی ایران است. از توصیف سلسله‌مراتب اجتماعی و نحوه معیشت مردمان تا وصف محصولات کشاورزی و باغداری و یا ایتمولوژی واژگان و نام گیاهان و حتی نحوه خرید و فروش شتر؛ از ثبت مسیرهای ترد و مختصات جغرافیایی و آب‌وهوا تا توصیف خلق و خوی مردمان و حتی نت‌نویسی یک قطعه موسیقی. یکی از مهم‌ترین اشارات فرهنگ‌شناسی این کتاب مربوط به روستای بنت و وجود نسخه خطی دیوان حافظ در مدارس علوم دینی است که بر ریشه‌های قدیمی زبان فارسی در این منطقه تأکید می‌کند.

و اما انتشار ترجمة کتاب بلوچستان ناکاویده در مجموعه پژوهش‌های ایران فرهنگی خود حکایتی خواندنی دارد.

در روزهای نخست طراحی پروژه بلوچستان در مجموعه ایران فرهنگی، ترجمة کتاب فلویر در دستور کار قرار گرفت و سفارش آن به دکتر منوچهر بیگدلی خمسه، پژوهشگر و مترجم باسابقه داده شد. ایشان که بازنیسته وزارت امور خارجه هستند به متون قدیم بریتانیایی تسلط دارند و در عین حال در کارنامه خود ترجمه‌های موفقی از رمان‌های معروف روسی همچون ابله داستایوسکی؛ آنا کارهنهن تویستوی و دن آرام شولوخف را داشتند. در نتیجه برای ترجمة کتاب فلویر که متنی متعلق به قرن نوزدهم و در عین حال روایتی داستانی از ایران و به خصوص بلوچستان است، انتخاب مناسبی بودند.

اما از آنجاکه گویا همزمانی‌های تاریخی را گریزی نیست، پس از قریب به ۱۵۰ سال که از نگارش این سفرنامه گذشته و به فارسی برگردانده نشده بود، همزمان با

سفرارش ما به جناب آقای بیگدلی، ترجمه دیگری نیز در دست انجام بود. دکتر سپهر صدیقی نژاد در جیرفت کرمان ترجمه این کتاب را سال گذشته به اتمام رسانده و نسخه‌های محدودی از آن را تکثیر کرده بود. با پیگیری از کرمان نسخه‌ای از کتاب به دستم رسید؛ ترجمه‌ای روان و دقیق در برگردان نامها و اسماء طوایف و آبادی‌های بلوچستان و سایر نقاط ایران که نشان از دقت و تخصص متوجه داشت. در عین حال اصالت روباری او، منطقه‌ای در منتهاالیه جنوب شرقی کرمان و در مدخل بلوچستان و حساسیت‌های فردی و تخصص زبان‌شناسی اش، احتمال خطاهای سهوی تلفظ نام‌های محلی را به حداقل رسانده بود. با مترجم تماس گرفتم و زمانی که متوجه شدم ناشر محترم آن در کرمان به دلیل مشکلات و مصائب حاکم بر صنعت نشر، به چاپ دیجیتال نسخه‌های محدودی از این کتاب بستنده کرده و کتاب عملاً منتشر نشده است و با آنکه جناب آقای بیگدلی بخش‌هایی از کتاب را ترجمه کرده بود، از آقای صدیقی نژاد خواستم این کتاب را به مجموعه پژوهش‌های ایران فرهنگی بسپارد. نتیجه اجابت او از این درخواست، کتابی است که اینک در دست شماست. از او سپاسگزارم و همین‌طور از دکتر منوچهر بیگدلی که بی‌هیچ گلایه و شکایتی ترجمه کتاب را متوقف کرد و با تفضل و التفات، سفارش ترجمه دیگری برای مجموعه پژوهش‌های ایران فرهنگی را پذیرفت.

محسن شهرنازدار



## سنجه‌های اندازه‌گیری و برابرهای فارسی آنها<sup>۱</sup>

آنه: یکشانزدهم روپیه

اینج: ۲/۵۴ سانتی متر؛ یکدوازدهم فوت

پوند: ۴۵۳ گرم

پیشت: کمی بیش از نیم لیتر

جريب فرنگی: ۴۱۴۷ متر مربع

دوجین: ۱۲ عدد

سنگ: ۶/۳ کیلوگرم؛ ۱۴ پوند

فوت: ۳۰/۴۸ سانتی متر

گالن: ۴/۵ لیتر

مايل: ۱/۶ کیلومتر

من: ۳ یا ۶ کیلوگرم

نیم دوجین: ۶ عدد

یارد: ۹۱/۴۴ سانتی متر

---

۱. مترجم این صفحه را به منظور راحتی خواننده در یافتن معادل برای مقیاس‌های مورد استفاده نویسنده افزوده است.



ارنست ای. فلور

## یادداشت مترجم

شکر بی‌پایان و ستایش بی‌کران به درگاه پرمهر ایزد دانا و هورمزد توانا که توفیق برگردان این سفرنامه علمی و گران‌سنگ را ارزانی ام داشت؛ تلاشی که نزدیک شش سال به درازا کشید. به طورکلی، ترجمه این اثر به شیوه مفهومی-واژگانی و اولویت‌های بنیادین آن، حفظ و انتقال معنا، توجه به روانی متن و امکان درک برای همه فارسی‌زبانان امروز است. دیگر آنکه اصل پاییندی مترجم به امانت‌داری و بی‌طرفی، به کامل‌ترین حد قابل تصور رعایت شده و هیچ‌گونه سلیقه شخصی یا سانسور عقایدی در متن ترجمه وارد نشده است. در واقع، دو استثنای واردشده بر این اصل، آن است که در موارد ضروری و با هدف تقویت آگاهی خواننده و افزایش کیفیت علمی اثر، توضیحاتی باعلامت اختصاری «-م.» در پانوشت همان صفحه افزوده شده است. دیگر آنکه، در متن ترجمه و به منظور رفع ابهام و افزایش درک بیشتر خواننده، واژه‌ها یا جملاتی ضروری در قلاب ([]) افزوده شده است. بی‌شک، این تغییر در محظوظ اصلاً مصدق دستبرد در متن اصلی نیست، بلکه یک باسته حتمی برای هر پژوهش علمی است و هیچ منافاتی با رعایت اصل بی‌طرفی ندارد. همچنین، مطابق شیوه‌نامه مورد تأیید برای نگارش آثار در این مرکز نشر، در

متن ترجمه «جای‌نام‌ها» (نام شهرها، آبادی‌ها، و ...) بر اساس نام‌گذاری رسمی امروز در نقشه تقسیمات سیاسی کشور آمده است. با این حال، چنانچه جای‌نام ثبت‌شده توسط نویسنده با نام رسمی امروزی برای آن مکان متفاوت باشد، جای‌نام ثبت‌شده توسط نویسنده نیز در اولین جا و در پانوشت صفحه ارائه شده است. هدف این راهبرد آن است که متن ترجمه حاضر در راستای اهداف پژوهش‌های تاریخی و ریشه‌شناسی پژوهشگران دیگر سودمند افتد.

اثر پیش رو ترجمه فارسی سفرنامه «بلوچستان ناکاویده» است<sup>۱</sup> که ۱۴۴ سال پیش و در ژانویه ۱۸۷۶ م<sup>۲</sup> آغاز شده، و پس از ۱۷ ماه، در دوازدهم می ۱۸۷۷ م<sup>۳</sup> پایان یافته است. متن اصلی و اولیه این اثر که برای نخستین بار به فارسی برگردانده می‌شود، در سال ۱۸۸۲ و در قالب ۵۰۷ صفحه، توسط ارنست آیسکو فلور به زبان انگلیسی در لندن منتشر شده است و گزارشی ارزشمند از دیده‌ها، شنیده‌ها، دیدارها، یادداشت‌ها و یافته‌های او در گشت‌وگذارهای سه‌گانه‌اش در خاک ایران را فاروی خواننده می‌نمهد.

طی شورش‌ها علیه کمپانی هند شرقی بریتانیا به سال‌های ۱۸۵۷-۵۸، نیاز به برقراری ارتباط سریع‌تر میان لندن و مستعمره‌اش؛ یعنی هند، به شدت احساس می‌شد و در سال ۱۸۵۹، تلاش برای راه‌اندازی یک خط تلگراف مستقیم میان دو کشور آغاز شد. با این هدف، دولت بریتانیا در سال ۱۸۶۲، یک خط تلگراف را میان بندر کراچی (پاکستان) و بندر چابهار (ایران)، در امتداد سواحل مکران راه‌انداخت. سپس در سال ۱۸۶۸، تا بندر جاسک ادامه یافت و از آنجا به بعد، به شکل کابل‌های زیردریایی به بندر بوشهر رسید. از آنجا نیز به یک خط تلگراف دیگر وصل شد که به تهران می‌رسید. این خط تلگراف طولانی که به خط تلگراف هندوبریتانیا

۱. از آنجاکه هدف اصلی نویسنده، گشت‌وگذار و کاوش در بلوچستان ایران بوده است، عنوان سفرنامه خود را بلوچستان ناکاویده نهاده است؛ هر چند تنها اولین سفر اکتشافی او به منطقه مکران (بلوچستان ایران) اختصاص دارد که در چهار فصل تخت این اثر گنجانده شده است.<sup>-م</sup>

۲. برابر با دی ماه ۱۲۵۴ خورشیدی و ذی الحجه ۱۲۹۲ ق و همزمان با بیست و هشتمین سال تاج‌گذاری ناصرالدین‌شاه قاجار.<sup>-م</sup>

۳. برابر با بیست و دوم اردیبهشت ۱۲۵۶ خورشیدی و بیست و هشتم ربيع‌الثانی ۱۲۹۴ ق -م.

یا خط تلگراف هندو اروپا شهرت دارد، در بندرهای کراچی، پسندی، گوادر، چابهار، جاسک، بوشهر و فاو، ایستگاههای فرعی جداگانه‌ای با کارکنان انگلیسی داشته است. از سال ۱۸۶۴، ریاست و مدیریت تمام خط تلگراف هندوبریتانیا به ژنرال ف. گلدسمید واگذار شد؛ افسری که پس از سال ۱۸۷۰ در کمیسیون تعیین مرز ایران و بریتانیا نیز حضور بسیار فعالی داشت.

ارنست ای. فلویر زاده چهارم جولای ۱۸۵۲ در لینکلن‌شائر انگلستان و در گذشته اول دسامبر ۱۹۰۳ در قاهره مصر است که از هفده سالگی به استخدام ارتش برون‌مرزی بریتانیا درآمد. در اولین مأموریت برون‌مرزی خود و در سن ۱۸ سالگی، در سال ۱۸۷۰ از سوی شرکت خط تلگراف هندوبریتانیا به خلیج فارس و دریای عمان اعزام شد تا به عنوان نخستین رئیس ایستگاه تلگراف خانه جاسک انجام وظیفه کند و بی‌وقفه و بدون بازگشت به کشورش، تا سال ۱۸۷۷ در جاسک اقامت و خدمت کرد.

ژنرال ف. گلدسمید کارکنان ایستگاه تلگراف جاسک را به کاوش در منطقه پیرامون تشویق کرد و فلویر از جمله کسانی بود که پاسخ مثبت داد و پیشنهاد خود مبنی بر گشت‌وگذار اکتشافی در بلوچستان ناکاویده ایران را رسماً تقدیم مقامات کرد. سرانجام، او توانست طی یک مرخصی استحقاقی طولانی مدت، در سال‌های ۱۸۷۶-۷۷ دست به انجام سه سفر اکتشافی در قلمرو دولت ایران بزند. البته او شرایط جسمانی مطلوبی نداشت و در همه آن سفرها از بیماری اسهال خونی رنج می‌برد. با این حال، سفرهایش را از ایستگاه جاسک و با هزینه شخصی خودش و بدون هیچ گونه پشتیبانی محافظان نظامی انجام داد.

در ژانویه ۱۸۷۶، فلویر موافقت‌نامه مقامات با مرخصی استحقاقی او برای انجام سفرهای اکتشافی اش را دریافت کرد؛ ترخیصی که به گفته خودش، «مدت‌ها به تعویق افتاده بود». البته مقامات در آن حکم، پشتیبانی سیاسی دولت بریتانیا از او در آن سفرها را نیز تضمین کرده بودند. آری و این گونه شد که فلویر بیست و پنج ساله، راهی سفر شد و توانست به رویای دیرینه‌اش؛ یعنی سفر اکتشافی به بلوچستان ناکاویده ایران جامه عمل پیوشاند.

او با دقت و شور و اشتیاق وصف ناپذیر، یکایک همراهان خود در آن سفر را از میان آشنايان بلوج بومي منطقه جاسك دست چين کرد و قافله شتری اش را از جاسك و در جهت شمال شرقی به مقصد بلوچستان، راهی بنت، فتوح، مسکوتان و بمپور کرد و پس از نزدیک به یک ماه، به جمع همکارانش در جاسك برگشت.

اما ظاهراً آن سفر پر ماجرا و دشوار، به خوبی نتوانسته بود عطش کنجکاوی او را سیراب کند؛ چون پس از مدت کوتاهی اقامت در جاسك، تصمیم به انجام سفری تازه به جزایر خلیج فارس و شهرهای ساحلی جنوب ایران گرفت. پس از آنکه چند روز را صرف کسب آمادگی علمی و تهیه مقدمات سفر جدید کرد، او بالاخره جاسك را به مقصد هنگام، قشم، بندرعباس، میناب، بحرین و بوشهر ترک کرد و در پایان، از راه دریا به جاسك بازگشت.

انگار، حالا دیگر خواسته یا ناخواسته، او می‌باشد از تمام منطقه خدمتش دل بکند و برای آخرین بار از جاسك راهی شود و به قصد دیدار زادگاهش لندن، سفر کند. بی‌شک، اکثر مسافران آسان‌ترین راه ممکن را برای سفر انتخاب می‌کنند. اما انگار معنای واژه «سفر» در واژه‌نامه او با معنای واژه‌هایی چون «جست‌وجوگری» و «خستگی‌ناپذیری» گره خورده بود؛ زیرا با آنکه می‌توانست، ولی سفر دریابی و رسیدن چند روزه به مقصد را ابداً برنگزید. آری! و این چنین شد که او تصمیم گرفت سومین سفرش از جاسك به مقصد لندن را از راه زمینی و با گذر از حداقل مناطق ممکن در خاک ایران (و مناطقی از خاک عثمانی) انجام دهد.

با این هدف، او قافله شتری خود را از جاسك در جهت شمال به انگهران (مرکز منطقه کاملًا ناکاویده بشاگرد<sup>۱</sup>)، سردشت، شهریارک، جگدان، درپنهن و سندرک روانه کرد و در ادامه، به منوجان، سررس، بارگاه، کهنوج، دوساری، دشت‌کوچ، کوهستان جبال‌بارز، تهروود، راین، ماهان و کرمان رسید و بخش اول از آن سفر را با خداحافظی تلغی از همراهان بلوچش در کرمان به پایان برد.

بخش دوم آن سفر طولانی را از کرمان به همراه قافله‌ای از قاطرها به مقصد یزد آغاز کرد و با گذر از اصفهان، خرم‌آباد، دولت‌آباد و کرمانشاهان به پایان رساند که از فلات بلند ایران به جلگه پست سرازیر شد.

۱. در متن اصلی بشاکرد ثبت شده است. بشاگرد در گویش محلی بشکرد گفته می‌شود.<sup>۲</sup>

او که چند رأس اسب از اصفهان اجیر کرده بود، با گذر از مرز عثمانی در خانقین، وارد خاک عراق کنونی شد و خود را به بغداد رساند و سپس از بندر بصره، با کشتی عازم بندر مارسی در فرانسه شد و از آنجا، با قطار سریع السیر به دیدار خانواده خود در لندن رفت و سومین بخش سفر خود را به اتمام رسانید.

در ژانویه ۱۸۷۸، فلویر به عنوان بازرس کل خط تلگراف مصر منصوب شد و در سال‌های ۱۸۸۴-۹۸، مقالات ارزشمندی را درباره جغرافیا، زمین‌شناسی و گیاه‌شناسی مصر منتشر کرد و تا پایان عمر در مصر ماند. او در سال ۱۸۸۷ ازدواج کرد و صاحب سه فرزند پسر شد.

در ارزیابی کلی از شخصیت فلویر، می‌توان اوراجست و جوگری خستگی ناپذیر، خوش‌خلق، فروتن، آشتبانی‌گرا و بسیار باتدبیر در غلبه بر موانع گوناگون، از کارشکنی‌های اداری جزئی گرفته تا سختی‌های کشنده جسمانی و برخورد با مقامات محلی بی‌رحم و سنگدل معرفی کرد. در توصیف سفرنامه‌اش نیز باید گفت بی‌گمان، خواننده ریزی‌بین بلوجستان ناکاویده لب به تحسین پدیدآورنده‌اش می‌گشاید آنگاه که شرح خستگی ناپذیری، برنامه‌ریزی، پشتکار، جسارت، چاره‌اندیشی و توصیف‌های ساده و روان، اما دقیق، علمی، گویا، جامع، صادقانه و بی‌طرفانه این افسر نظامی و حکیم زبان‌شناس، مردم‌شناس، تاریخ‌دان، جغرافی‌دان، هواشناس، زمین‌شناس، گیاه‌شناس، حشره‌شناس، کانی‌شناس، ستاره‌شناس، پزشک، دامپزشک، نگارگر و موسیقی‌دان آگاه و کم‌مانند را بخواند. همچنین، این نویسنده جامع‌الاطراف و چیره‌دست انگلیسی‌زبان که قهرمانانه همه دشواری‌ها را به مبارزه طلبید، به پنج زبان خارجی؛ یعنی بلوجی، عربی، فارسی، گردی و هندی نیز تسلط داشته است. به این دلایل، باور دارم ترجمة شاهکار بلوجستان ناکاویده رازها و گمشده‌های بسیاری را از تاریخ، فرهنگ، زبان‌شناسی، مردم‌شناسی و اقلیم کشور عزیزمان خواهد گشود، گرچه به یقین مانند هر اثر و ترجمة علمی خالی از ایراد نیست.

پایان سخن آنکه نیک می‌دانم بنا بر دلایل پرشمار، در روزگار کنونی ما کورس‌سوی فانوس کتاب‌خوانی با بی‌رقیقی تمام به خاموشی گراییده است. افزون بر آن، غول تورم بی‌سابقه ناشی از افت پرشتاب و روزانه ارزش پول ملی کشور، گلوی زندگی

ایرانیان را سخت می‌فشارد. ازین رو شاید انتشار اثری با این حجم اصلاً عاقلانه نمی‌نماید. با این حال، تنها به عشق ارائه خدمتی ماندگار و آگاهی افزا به مردمان نیکوتبار و بافرهنگ بلوچستان کبیر و کهن که وابستگی خونی و دلبستگی ژرفی بدان دارد، بهویژه زادگاه زرخیز و نازنینم روبارز مین عزیز و نجیب مردمان کوشان، فرهنگ دوست و سرافرازش، این اثر روشن‌گر را ترجمه کرده‌ام. امید است مورد پذیرش طبیع تیزبین خوانندگان اندیشمند قرار گیرد و در خانه‌های پرمههر عزیزان هم خطه و هم‌ریشه که چون من دل در گرو عشق سرز مین مادری و عزیzman دارند، مهمان شود.

من این حروف نوشتم چنان که غیر ندادند  
تو هم ز روی کرامت چنان بخوان که تو دانی

ترجمه این کتاب را تقدیم می‌کنم به مادر فرزانه‌ام ماه صنم با مشاد و پدر فقیدم مرحوم محمد صدیقی نژاد، آموزگارانی که بی‌چشم داشت و با تشارعشق پاک و تحمل مراجعت فراوان، نخستین الفبای زندگی ام آموختند؛ برای تسکین گوشه‌ای از آن ناخوشی‌ها و به پاسداشت قطره‌ای از اقیانوس بی‌کران عشق و ایثارشان؛

به همسر فداکارم نرجس کرمی و یگانه دلبندمان آرشام، فرشتگان نازنینی که شیرینی و فروغ زندگی ام را مدیون بودن سبزشان در کنارم هستم؛ به پاس همه آرامشی که ارزانی ام داشته‌اند و خواهند داشت و برای قدرشناصی از شکبیانی عاشقانه و همراهی پرمههرشان در تلاطم‌های زندگی ام. و نیز به آموزگار فرهیخته و نمونه‌ام، استاد دکتر عباسعلی آهنگر، او که پدرانه سوخت تا راه و رنج و بهای پژوهشم آموخت؛ به پاس همه آموزه‌هایم در دوره‌های تحصیلات تكمیلی و برای جبران گوشه‌ای از دنیای بی‌کران الطاف و حمایت‌های مادی و روحی اش.

سپهر صدیقی نژاد

۲۹ بهمن ماه ۱۳۹۹ خورشیدی

## مقدمه

برای آنان که جغرافیا و رویکرد سیاسی کشورهای حد فاصل ایران و هندوستان شمالی را می‌شناسند، موضوع «بلوچستان ناکاویده» مسلماً جذابیت خاصی خواهد داشت، کشورهایی که شناخت آن‌ها برای دولتمردان کنونی انگلستان اهمیت بسیار زیادی دارد. اما برای دیگران، شاید خود این عنوان هم نیازمند تشریح باشد؛ زیرا بلوچستان، شناخته یا ناشناخته، صرفاً محدود به مرزهای مورد توافق جهانی نیست و به طورکلی، شاید بتوان آن را منطقه‌ای بین خطوط ۵۷ و ۶۷ درجه طول جغرافیایی توصیف کرد که از جنوب، محدود به دریاست و از شمال نیز تا جایی بالاتر از خط ۲۸ درجه عرض جغرافیایی قرار دارد که رشته‌کوه‌های بزمان و نوشادر را شامل می‌شود. این مرزبندی با شیوه ارزیابی دولت ایران<sup>۱</sup> از متصرفات شاه در شرق کرمان و بندرعباس هم خوانی دارد و دولت هند بریتانیا نیز از همین عنوان برای نام‌گذاری محدوده براهویی‌ها در غرب رشته‌کوه هاله بهره می‌گیرد.

باید گفت مرز بلوچستان غربی (بلوچستان ایران) و بلوچستان شرقی (بلوچستان خان کلات) در شمال، رودخانه ماشکید و در جنوب، روستای ماھیگیری گواثر است.

۱. نویسنده واژه Persia را برای اشاره به قلمرو کشور یا دولت «ایران» به کار گرفته است -م.

نگاهی به تازه‌ترین نقشه ایران نیز روشن می‌سازد تا چه میزان، بخش گسترده‌ای از محدوده‌ای که در طرح کلی مطالب اینجا بیان شده، نیازمند تعریف ویژه است. به علاوه، نقاط کور متعددی که سالیان دراز معرف مناطقی چون بشاگرد، روبار و ایراًفشن بوده‌اند را نمی‌توان با عنوان‌ی «بیابان» یا «کوهستان بی‌آب و علف» از سر باز کرد. به‌حال، چه آن‌ها را این‌گونه و چه با واژه مبهم، اما معنادارتر «ناشناخته» نام‌گذاری کنیم، چیزی جز ارائه تصویری ناخوشایند و چشم‌آزار برای جغرافی دنان رخواهد بود. درحالی که از منظر پژوهشگر علوم سیاسی مشرق زمین، چنین نام‌گذاری‌هایی القاکننده این مضمون‌اند که اگر این امر نوعی سهل‌انگاری شایسته سرزنش نباشد، مسلماً نوعی مصلحت‌اندیشی سؤال‌برانگیز خواهد بود که دولت هند بریتانیا را بی‌خبر از سکونتگاه نزدیک‌ترین همسایگان و هم‌پیمانش نگه می‌دارد.

اکنون بیش از چهل سال است که ما به مقاماتمان عنوان «کاردار سیاسی در سند و بلوچستان» را اعطا کرده‌ایم و کنترل ایالت سند نیز اندکی کمتر از همین مدت در اختیار ما بوده است، ولی با ایالت بلوچستان روابط بسیار پایدارتری داشته‌ایم. به علاوه، تنها بیست سال از راه‌اندازی خط تلگراف ما به درازای چهارصد مایل در امتداد ساحل مکران، در غرب کراچی می‌گذرد که تقریباً شش سال بعد تا دماغه جاسک و پس از آن نیز به صورت انشعاب زیردریایی تا ایستگاه جزیره هنگام، در غربی‌ترین نقطه محدوده بلوچنشین امتداد یافت. حتی همین اوخر نیز پیشروی به سوی کویته و جنگ با افغانستان، در کنار تقویت روابط دوستانه با منطقه تقسیم شده میان شاه و خان [کلات]، فرصت‌های جدیدی را برای بررسی مشخصه‌های جغرافیایی آن محدوده در اختیار مان قرار داد، اما حالا دیگر نیروهای ما از قندهار خارج شده‌اند، چنان‌که که شاید از کویته هم خارج شوند و نقاط کور نقشه بلوچستان همچنان ناشناخته و خالی بماند.

چند سال پیش جرئت به خرج دادم و پیشنهادی را مطرح کردم مبنی بر اینکه ایستگاه‌های خطوط شرکت تلگراف دولتی هند و اروپایی بایستی در نقاط دلنشیز

دایر شود؛ یعنی درباره کارکنان ایستگاه‌های تلگراف فاو، بوشهر، جاسک، چابهار، گوادر و پسنی که در نقاط خوب و ارزشمندی از دماغه شط العرب تا کراچی در امتداد ساحل مشغول انجام وظیفه بودند و کمتر سخنی از آن‌ها به میان می‌آمد. مضمون پیشنهادم آن بود که می‌بایست کارکنان آن ایستگاه‌ها به انجام مأموریت‌های درون‌مرزی داوطلبانه ترغیب و مساعدت شوند؛ با این فرض مسلم که فقط بایستی افراد کارآمد و قابل اعتماد را برای انجام چنین مأموریت‌هایی در نظر گرفت. دیگر آنکه ملاک انتخاب افراد نباید صرفاً صلاحیت علمی یا توانمندی کاوش جغرافیایی آن‌ها باشد، بلکه افراد منتخب باید به همان اندازه که در مشاهده خورشید و ستارگان، گردآوری نمونه‌های گیاهی و شناخت گونه‌های جانوری دقیق نظر به خرج می‌دهند، از جریمه‌دار کردن احساسات ملی و میهنه و زیر پا نهادن تعصبات محلی نیز باید پرهیز کنند. آن پیشنهاد پس از سازمان‌دهی، با پیوست مفادش در قالب یک درخواست رسمی تسلیم مقامات شد، اما اهداف کاربردی اش با استقبال چندانی مواجه نشد و بر عکس، به صدور حکمی انجامید که به موجب آن ترغیب رسمی کارکنان به انتقال از حوزه کاری آن‌ها قدغن شد، حتی در مرخصی‌ها و تعطیلات رسمی یا در مواردی که کارکنان به دلیل بیماری نیاز به تغییر مکان موقت پیدا می‌کردند. در آن زمان، آقای ارنست فلوریر از کارکنان شرکت تلگراف دولتی هند و اروپایی مستقر در خلیج فارس و از جمله افرادی بود که استعداد، توانمندی و روحیه ماجراجویی اش ذاتاً از او کاوشگری قابل و ممتاز ساخته بود. اگر پیشنهادم جامه عمل می‌پوشید و با تأیید رسمی دولت، از کارکنان انگلیسی خط تلگراف در امتداد نوار ساحلی ایران و بلوچستان، از شط العرب تا کراچی بهره گرفته‌می‌شد، یقین دارم او جزو اولین افراد انتخابی بود و تنها به این شرط، می‌توانست مهارت‌ها و آموزش‌های جامعی بییند که شاید فاقد آن‌ها بود و یا شاید وسوسه می‌شد آن‌ها را بیشتر صوری، تا جدی، قلمداد کند.

ولی به طور کاملاً اتفاقی، آقای فلوریر بدون گرفتن هرگونه مجوز از مقامات ارشد و فارغ از تمام قیدوبندها و مقررات اداری و در عین حال، به دور از هرگونه منع قانونی که به ماندن اجباری وی در ایستگاه تلگراف بینجامد، از اقامتگاه ملال آورش در

جاسک خارج و روانه مناطق داخلی کشور شد که قضاوت درباره میزان موفقیت و چگونگی انجام مأموریت خودخواسته او به عهده خواننده واگذار می‌شود. به علاوه، اظهارنظر درباره ارزش‌های ادبی کتاب او در اینجا کاملاً بی‌مورد است؛ چون در واقع، هنوز فرصتی نیافته‌ام آن را با دقت و نکته‌سنجی منتقدانه مطالعه کنم. اما با کمال افتخار می‌گوییم این اثر در زمینه زنده‌سازی و روشن‌کردن حقیقت در مورد پنهان و سیعی از مناطقی سودمند است که گرچه کمتر شناخته شده‌اند، ولی بسیار جالب‌توجه هستند و به دلیل نزدیکی به هند بریتانیا، مسلمًا از جذابیت بی‌مانندی برای دولتمردان انگلیسی برخوردارند.

حتی خودم من هم همیشه شیفته منطقه ناشناخته بشاگرد بوده‌ام و دو بار از قسمت شمالی دشت بمپور گذشته‌ام. یک بار نیز در سفر از بندرعباس به سیستان، از کناره غربی اش گذشتم و طی دو سفر مجزا از بمپور به شهرهای بندری مکران، با سرزمین‌های مجاور مرز شرقی اش نیز آشنا شده‌ام. اما تاکنون فرصتی نیافته‌ام اقدامی فراتر از برقراری ارتباط مکاتبه‌ای با حکمران آنجا انجام دهم تا آنکه بالآخره، بازدید از مقر حکومتی سیف‌الله [خان] نصیب آقای فلوبیر شد. آن روزها، آن بلوج پیر و سنگدل در بحرانی از مشکلات فراوان دست‌وپا می‌زد و کاردار دیگری به جایش گماشته بودند، اما تاکنون روایت‌هایی از او به گوش می‌رسد که شخصیت قاطعش را هرچه بهتر برای ما به تصویر می‌کشد.

اما بشاگرد تنها نقطه از بلوچستان غربی نیست که گردشگر جسور ما از آن بازدید کرده است. او منزلگاهش را در مناطقی از شرق، غرب و شمال مناطق فارس‌نشین و بلوج‌نشین برپا کرده است و همواره یکی—دو نفر بومی وفادار همراهی اش کرده‌اند که او به اندازه خودش به سرگذشتستان توجه داشته است و خصوصیات فردی هر کدام را در قالب داستان‌های خنده‌دار و ذکر مثال‌های فراوان تشریح می‌کند. در ادامه، او مسیری نسبتاً مستقیم را به غرب در پیش می‌گیرد و به مناطق مرکزی ایران وارد می‌شود و تمام عرض قلمرو پادشاهی ایران را در می‌نوردد و از طریق کرمان، بزد و اصفهان، به مرز امپراتوری عثمانی در خانقین می‌رسد. سپس، چون می‌باشد اندکی سفر زمینی بیشتری صورت گیرد، به بغداد و بصره می‌رود و اصلاً تعجبی هم

ندارد که نویسنده هیچ تلاشی برای شرح ادامه سفرش از بصره به مارسی و لندن نکرده است.

باید افزود انتقال آقای فلوبیر از سواحل نامساعد خلیج فارس به خط تلگراف مصر و اقامت رسمی من در قاهره، امکان داد تا معاشرت سال‌های گذشته را دوباره از سر گیریم. مطلب پایانی هم آنکه نگارش این سطور صرفاً در پاسخ به درخواستی صورت گرفت که از من به عمل آمد. من نیز موافقت کردم آن‌ها را به عنوان مقدمه برای کتابی بنویسم که می‌توانست زیبنده‌تر و توسط فردی آگاه‌تر معرفی شود. بر همگان روش است پذیرفتن درخواست شفاهی آن‌قدرهای هم به آسانی ردکردن درخواست کتبی نیست، حتی اگر توضیح روشن داده شود که پذیرفتنش به نفع مسلم مقاضی است.

ف. جی. گلدسمید<sup>۱</sup>

قاهره، سی ام مارس ۱۸۸۲